

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
Tel: 00491635112025
E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان
Tel: 00358 405758250
E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۷۶

چهارشنبه ها منتشر میشود

۳۱ تیر ۱۳۸۸، ۲۲ ژوئیه ۲۰۰۹

منصور فرزاد - عبدال گلپریان
Iskraa_nkk@yahoo.com



روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز دستور خمینی برای حمله به کردستان است مصاحبه ایسکرا با محمد آسگران



محمد آسگران

ایسکرا:

اخیرا بیانیه ای به امضا تعدادی از فعالین سیاسی سابق احزاب و سازمانهای کردستان و تعدادی از اعضای فعلی این سازمانها منتشر شده است و روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ را روز عزای عمومی اعلام کرده و خواسته اند در این روز مردم ۲ دقیقه سکوت کنند و بر مزار شهیدان حاضر شوند. میخواستیم نظر شما را در این رابطه جویا شویم؟

محمد آسگران:

اولا لازم است تاکید کنم که روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز دستور

آغاز جنگ مسلحانه مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی و گله پاسدار و بسیج و ارتش اسلامی آن است. اینکه اخیرا و بعد از ۳۰ سال که از این تاریخ میگذرد، تعدادی میخوانند فضای مقاومت و جنگ قهرمانانه مردم علیه لشکریان دژخیم اسلامی را رنگ و بوی مذهبی بزنند و آنرا نه گرمی داشت یاد جان باختگان، و بررسی دستاوردها و درس های آن مقاومت، که روز عزای عمومی بنامند ناشی از ماهیت ارتجاعی و عقب مانده مبتکرین این حرکت است.

خمینی برای حمله به مردم کردستان است. دوما این روز در کردستان روز آمادگی مردم و احزاب سیاسی برای مقابله و سازمان دادن مقاومت علیه حمله فاشیستی خمینی و لشکریان اسلام است. بنابر این از هیچ طرفی این روز معنی عزای عمومی نداشته و ندارد. این روز روز دستور حمله به دستاوردهای انقلاب ۵۷ در کردستان، روز فرمان کشتار آزادیخواهان بوسیله خمینی است. اما در مقابل مردم دست و پا بسته در کردستان منتظر آغاز کشتار نبودند. در عین حال این روز برای مردم کردستان روز آمادگی و سازمان دهی برای مقاومت در مقابل ضد انقلاب اسلامی است. این روز، روز آغاز تاریخ مقاومت مسلحانه برای حفظ دستاوردهای انقلاب ۱۳۵۷ است. این روز، روز

به نظر من ما و همه نیروهای انقلابی کردستان نباید اجازه بدهیم از جانب تعدادی ناسیونالیست شکست خورده و ناامید روز صفحه ۲

اوضاع کنونی ایران و حزب ناکمیتست



عبدالله اسدی

رویدادهای بعد از انتخابات ۲۲

چگونگی اداره نظام جمهوری اسلامی در میان سران اصلی رژیم اختلافات زیادی بالا گرفته بود. این روند عمدتا از دوم خرداد و پس از انتخاب خاتمی و ۱۸ تیر ۷۸ به طرز عریانتری آغاز شد.

خرداد، صحت جهت گیریها، تحلیلها و گفته های حزب کمونیست کارگری را به نحو احسن اثبات می کند. آنچه معلوم است جمهوری اسلامی آینده ای در ایران ندارد. رخدادهای پس از انتخابات شاید نه به این گستردگی ولی کاملا قابل پیش بینی بود. مدتها بود که بر سر

صفحه ۴

به کارگران نفت

منصور حکمت

صفحه ۳

نظارات میلیونی مردم در تهران علیه حکومت

صفحه ۵

نظارات عظیم مردم تهران همچنان ادامه دارد!

صفحه ۵

سوم مرداد روز اعتراض جهانی علیه جمهوری اسلامی

صفحه ۶

گزارش دو تجمع کارگران کارخانه ریسندگی پوری در مقابل اداره کار سنندج

صفحه ۶

اعتراضات گسترده آموزشیان حق التدریسی نهضت سواد آموزی نسبت به عدم استخدام رسمی و جذب در آموزش و پرورش

صفحه ۶

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز دستور خمینی ...

از صفحه ۱

مقاومت و فداکاری و سازماندهی و سنگر بندی در مقابل یورش لشکریان اسلامی سرمایه به روز عزای عمومی تعبیر شود. فرهنگ عزای و شیون و زاری، فرهنگی اسلامی و عقب مانده است. مردم کردستان این روز را روزی تاریخی و مقامات خود را اقدامی آگاهانه و تاریخی میدانند. جنگی که بوسیله حکومت تازه به قدرت رسیده به مردم کردستان تحمیل شد دو طرف و دو جبهه قابل مشاهده بودند و هستند. یک طرف آن جنگ، جانیان اسلامی به رهبری خمینی و بنی صدر و دیگر مقامات حکومتی و طرف دیگر آن مردم کردستان و احزاب سیاسی آن دوره بودند. این جنگ و مقاومت درسها و تجربیات با ارزشی دارد که باید هر سال در گرامی داشت مقاومت مردم در این تاریخ آن درسها و تجربیات مورد بحث و بررسی قرار گیرد و جان باختگان راه آزادی در این جنگ باید یادشان را گرامی بداریم. در کردستان لاقل در ۳۰ سال اخیر این رسم و سنت مبارزاتی مردم و حتی احزاب سیاسی نبوده است که در گرامی داشت عزیزانشان عزای داری راه بیندازند. کسانی که اخیرا مردم را به عزاداری فرا خوانده اند ظاهرا در سن پیری و میانسالی راهی برای خود سراغ ندارند بجز دست به زانو زدن و عزاداری کردن. اگر در نیت و هدف آنها هم شک نکنیم باید به آنها متذکر شد که مردم کردستان از این فرهنگ عزاداری و اسلامی دل خوشی ندارند و تا کنون راه دیگری را رفته اند. شما هم بهتر است مثل گذشته ساکت باشید و فرهنگ کهنه و عقب مانده خود را در محافل خود نشخوار کنید.

ایسکرا:

شما میگویید این روز روز دستور حمله از یک طرف و روز آغاز مقاومت مسلحانه از طرف دیگر بوده است مردم کردستان و جوانان امروز هم خاطره دوری از این تاریخ دارند. فکر میکنم مردم اکنون چه کار باید بکنند که این تاریخ به فراموشی سپرده نشود؟

آسگران:

اسلامی و دم و دستگاه آدمکشی آن است به میدان آمد. باید علیه فرهنگ عزای به فرهنگ شادی روی آورد. مردم کردستان نه باسکوت و عزای بلکه با فریاد زنده باد زندگی و زنده باد آزادی و شادی باید حقانیت خود را به گوش جهانیان برسانند.

ایسکرا:

اکنون مبارزات وسیع و میلیونی مردم تهران و دیگر شهرهای بزرگ ایران به مرحله حساسی رسیده است مردم کردستان هم به پیشواز روزی تاریخی در مبارزات خود میروند. چه انتظاری از مردم کردستان هست؟

آسگران:

واقعیت این است که مردم ایران به طور کلی وارد فاز جدیدی از مبارزات انقلابی خود شده اند. برای اولین بار بعد از ۳۰ سال مردم با قدرت میلیونی به میدان آمده و جمهوری اسلامی را به مصاف طلبیده اند. تا همین حالا جمهوری اسلامی ضربات کشنده ای را متحمل شده است و جنبش انقلابی مردم با استفاده از جنگ جناحهای رژیم و شقه شدن صفوف بالائینها خوب استفاده کرده و قدرت خود را دیده است. کردستان هنوز وارد این جنگ اخیر نشده است. اما مردم ایران و جنبش انقلابی جاری انتظار دارند که کردستان این بار هم نقش پیشرو خود را ایفا کند. اینکه تا کنون مردم کردستان به این حرکت نپیوسته اند باعث شده است که سوالات و جوابهای متفاوتی را شاهد باشیم.

ایسکرا:

اگر ممکن است جواب و سیاست جریانات مورد اشاره را کمی بشکافید منظورتان چیست؟

آسگران:

متأسفانه از میان جوابها تا کنون من شاهد جواب جدی سیاسی، اجتماعی و طبقاتی نبوده ام. هر جریانی به فراخور سیاست خودش فکر میکند که مردم کردستان به دلیل سیاست این و یا آن حزب و سازمان به میدان نیامده اند. من این جوابها را فرقه ای و غیر اجتماعی میدانم. این درست است که کردستان جامعه ای حزبیست یافته است و

سیاست احزاب در تحرکات مردم کردستان موثر است. اما مردم کردستان بارها شاهد فراخوانهای همه این احزاب بوده و الزاما جواب نداده اند. مواردی هم به دلایلی سیاسی و اجتماعی بدون فراخوان یک حزب خاص شورشهای شهری اتفاق افتاده است. برای نمونه شورشهای شهری چهار سال قبل به دلیل جنایت رژیم علیه یک فعال سیاسی در شهر مهاباد به اسم شوانه قادری اتفاق افتاد در حالیکه در همین مهاباد دهها جنایت دیگر در مقاطع دیگری اتفاق افتاده و ما شاهد چنین تحولاتی نبوده ایم.

در جریان سالگرد ۱۸ تیر ۷۸ هر سال از جانب احزاب فراخوانهایی داده شده و ما شاهد تحرکی جدی در دانشگاههای کردستان نبودیم. بنابر این باید دلایل دیگری را مورد توجه قرار داد که در جنبش اخیر، مردم کردستان هنوز وارد میدان جدال جدی نشده اند.

به نظر من اولین دلیل جدی سیاسی برای توضیح این موضوع این است که اگر در تهران و دیگر شهرهای ایران مردم از وجود حفاظ جنگ جناحها و اصلاح طلبان حکومتی استفاده کردند و به میدان آمدند در کردستان این حفاظ وجود ندارد. اصلاح طلبان و مدافعین دولت و ولی فقیه هیچکدام در کردستان اعتباری ندارند و شخصیت با نفوذی حتی در میان صفوف خودشان هم ندارند. مردم در ابتدای هر انقلابی معمولا از امکاناتی قانونی نیمه قانونی به عنوان حفاظ امنیتی استفاده میکنند. در کردستان این حفاظ امنیتی وجود ندارد. نه به دلیل اینکه مردم رای دادند یا ندادند. اینها استدلالهای آغشته به سنت ملی است که بعضی از سازمانهای سیاسی آنرا به عنوان دلیل محکم بیان میکنند. میگویم سنت ملی و ناسیونالیستی زیرا این جریانات فکر میکنند مردم تهران و دیگر شهرهای ایران چون رای داده اند اکنون پشیمان هستند و میخواهند رایشان را پس بگیرند. این توضیح زیادی غیر سیاسی و غیر اجتماعی است. در عین حال افتخار میکنند که "ملتش" اگر امروز ساکت است چون دیروز رای نداده است!؟

اینکه اکثریت قریب به اتفاق مردم کردستان و میلیونها مردم

دیگر شهرهای ایران هیچ وقت رای نداده و اعتمادی به این رژیم نداشته اند واقیعی انکار ناپذیر است. اما به قول خود رژیم و به نظر جریاناتی که احمدی نژاد را طرفدار فقرا معرفی میکنند و کسانی هم که اینرا باور کرده اند و فکر میکنند احمدی نژاد پوپولیست رای میلیونی حتی کارگران را با خود دارد، گویا در انتخابات چهار سال قبل هم مردم در ابعاد میلیونی در رای گیری شرکت کردند. سوال این است چرا چهار سال قبل این اتفاق نیفتاد؟

این جریانات انگار در کره مرخ زندگی میکنند فکر میکنند مردم حافظه تاریخیشان را از دست داده و به حرفهای بی سر و ته و فرقه ای آنها باور میکنند. اما واقعیت فراتر از ذهنیت هر کسی در جامعه عمل میکند. نگاهی به تاریخ گذشته و تجربیات نسل ۵۷ شاید توضیح این معضل را برای خوانندگان امروز آسانتر کند.

در دوران شاه شعارها از همان ابتدا مرگ بر شاه نبود. اوایل شعار این بود که "شاه سلطنت کند نه حکومت" و یا "ما خواهان اجرای قانون اساسی هستیم" ... ابتدا کسانی مثل پزشکپور و احمد بنی احمد و ... به عنوان رهبر و مبتکر اعتراضات مطرح بودند. اما مدت زیادی طول نکشید که کل این فضای اوایل اعتراضات متحول شد. بعد از چند ماه نه شعارها و نه رهبران آنها نبودند که ابتدا مطرح شدند.

در ایران امروز هم در چنین موقعیتی هستیم. تازه خیلی سریع و با قدرت مردم به شعار مرگ بر خامنه ای و مرگ بر دیکتاتور رسیده اند. در اعتراضات یکی دو هفته اخیر ما دیگر شاهد شعار هفته اول "رای ما را پس بده" نیستیم و یا خیلی ضعیف طرفداران موسوی و جریانات توده ای اکثریتی تلاش میکنند هنوز آنرا زنده نگهدارند. رنگ سبز جای خود را به رنگهای دیگر داده است. این اتفاق هم در داخل و هم در خارج دارد به سرعت به نفع جنبش انقلابی پیش میرود. اما احزاب فرقه ای با سیاستهای غیر اجتماعی ابتدا نمیخواهند اینرا باور کنند. اما شک نداشته باشید همه این جریانات چند هفته و یا حداکثر چند ماه دیگر موضعگیریهای امروزشان را پنهان

ترانه موسوی یکی دیگر از قربانیان توحش جمهوری اسلامی



رفقا،

آنچه در ایران امروز میگذرد یک حقیقت را بیش از هر چیز تاکید میکند. رژیم اسلامی رفتنی است. باید برود. این حکم مردم ایران است، حکم زنان ایران است، حکم همه کسانی است که برای آزادی و برابری و حرمت و رفاه انسانها در ایران دل میسوزانند. روند سرنوشتی رژیم اسلامی آغاز شده است. و این شما را به میدان رهبری فرامیخواند.

به کارگران نفت

یکسره خواهد شد.

بسیست سال قبل سقوط رژیم سلطنت وقتی مسجل شد که کارگر نفت، در راس کل طبقه کارگر ایران، بعنوان رهبر جامعه، رهبر سرسخت انقلاب، قد علم کرد. امروز نیز شیشه عمر این رژیم کثیف مذهبی، این حکومت اسلامی سرمایه، در دست شماس است.

همه میدانند که کارگر نفت ایران غول خفته ای است که اگر برخیزد، کل اردوی ارتجاع، با همه دستگاههای تبلیغاتی اش، حامیان بین المللی اش، ارتش و سپاه و اوباشش، سرنیزه ها و شلاقها و عمامه هایش، با سرعت

اطلاعات و لباس شخصی ها می خواسته اند ذهن خانواده ترانه را از سیاسی بودن قضیه منحرف کنند و به آنان بقبولانند که دخترشان از نظر اخلاقی مشکلاتی داشته است تا خانواده نیز پس از شنیدن خبر مرگ فرزندان، از پیگیری و پی جویی درباره چند و چون مرگ وی خودداری کنند.

ممانعت خانواده ترانه موسوی از دادن اطلاعات درباره تشییع پیکر وی و چگونگی درگذشتش عجیب به نظر نمی رسد؛ چراکه تمامی خانواده های قربانیان حوادث اخیر از سوی حکومت و وزارت اطلاعات تهدید می شوند و به آنان گفته می شود در صورتی که تشییع پیکر عزیزانشان و مراسم کفن و دفن و ختم آنان با حضور مردم و با شیون و ناله برگزار شود مشکل حاد دیگری برای یکی دیگر از عزیزانشان اتفاق خواهد افتاد.

ترانه موسوی اکنون تنها به خانواده اش تعلق ندارد و متعلق به همه ایرانیان است؛ بنابراین پیگیری وضعیت او و چگونگی درگذشتش وظیفه تک تک ماست. این که من نمی توانم با نام خود این اخبار را منتشر کنم؛ این که دوست ترانه نمی تواند نامش را بگوید؛ این که خانواده ترانه درباره فرزندان هیچ حرفی نمی زنند همه از خفقانی حکایت دارد که امروز بر جامعه ما

دوستان ترانه موسوی، از بازداشت شدگان هفتم تیر در درگیریهای مسجد قبا، گفته اند که خانواده وی از یافتن جنازه سوخته ترانه در حومه قزوین خبر داده اند. یکی از دوستان ترانه موسوی دیروز برای پیگیری وضع ترانه با منزل پدری او تماس گرفت و با خبر مرگ ترانه و یافتن جنازه سوخته اش - بین کرج و قزوین - مواجه شد. خانواده ترانه از بازگویی مکان

و زمان تشییع جنازه وی خودداری کردند و گفتند نمی توانند توضیحات بیشتری دهند. پس از پیگیری ها و تماس های مکرر دوستان ترانه با منزل وی، خانواده موسوی از آنان خواستند که دیگر تماس نگیرند و در برابر سخن یکی از دوستان ترانه که گفته بود خانواده او باید نوع مرگش را به جامعه اطلاع دهند و به رسانه ها بگویند که ترانه دستگیر شده و پس از دستگیری به این سرنوشت دچار شده است شنیده بودند که ما صلاح کار خود را بهتر از شما می دانیم و نمی خواهیم در تشییع جنازه اش کسی حضور داشته باشد.

ترانه موسوی به گفته یکی از دوستانش - که نمی خواهد نامش فاش شود - روز هفتم تیر در حوالی تقاطع میرداماد و خیابان شریعتی کلاس آرایشگری داشته است. او اتومبیل خود را در یکی از خیابان های فرعی بین حسینیه ارشاد و میرداماد، پارک می کند و پس از دیدن تجمع مردم در خیابان قبا و اطراف حسینیه ارشاد با یکی از دوستان خود تماس می گیرد و به او می گوید که پیش از رفتن به آرایشگاه بهتر است سری به مسجد قبا بزنند و با دوست خود در نزدیکی مسجد قبا قرار میگذارد. وی که به گفته دوستش مانتوی سبز به تن و شالی سبز به سر داشته است درحالیکه در خیابان شریعتی منتظر یکی از دوستان خود بوده است از سوی مأموران حکومتی دستگیر می شود و در هنگام دستگیری، دوست وی که به محل قرار نزدیک میشده از دور وی را می بیند. ترانه را سوار به ونی میبرند. شواهد دستگیری ترانه به همین جا ختم نمی شود و چند نفر از دستگیرشدگان

منصور حکمت

دبیر کمیته مرکزی
حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ تیرماه ۱۳۷۸

به نقل از نشریه انترناسیونال
شماره ۳۰
مرداد ۱۳۷۸ - اوت ۱۹۹۹

این شاهد قربانی شدن ترانه هایمان نباشیم.

لازم است بگویم عکس ترانه را نیز یکی از هنرجویان آموزشگاه آرایشگری و از دوستان ترانه در اختیار وبلاگ زیرزمین قرار داد.

* * *

روز ۲۸ مرداد ۱۳۵۸ روز دستور خمینی ...

از صفحه ۲

میکند و تلاش میکنند که توضیح دیگری به جامعه بدهند. طولی نمیکشد این تغییرات و پشتک و واروها را خواهیم دید.

حزب و سازمانهایی که توضیححشان این است که میگویند چون مردم کردستان رای ندادند برای پس گرفتن رای خود هم به خیابان نمی آیند، دارند میگویند میلیونها مردم در تهران و دیگر شهرهای ایران طرفدار موسوی و خواهان حفظ نظام هستند. این آشکارا دهن کجی به مبارزات مردم ایران و توهین به انسانهایی است که برای آزادی و رهایی به خیابانها آمده اند. در ادامه این اعتراضات شك ندارم که مردم کردستان با قدرت وارد میدان

* * *

اوضاع کنونی ایران و ...

از صفحه ۱

تاکتیک مردم در آن دوران این بود که از طریق انتخابات بتوانند در صفوف بالای اداره کنندگان نظام اسلامی شکاف بیندازند تا بدین وسیله فشار و اختناق را از سر خود کم کنند و برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی قدمهای بعدی را راحتتر بردارند. فشار مردم از پایین در این چند سال در مقابل خشونت دولت، در مقابل بالا رفتن تورم، در برابر گرانی و برای بدست آوردن آزادیهای مدنی و از طرف دیگر ایستادگی مردم در مقابل دخالت مذهب در زندگی روزمره خود، فشارهای سیاسی و دیپلوماتیک بر سر نقض حقوق بشر از سوی دولت‌های غربی و سازمانهای دفاع از حقوق بشر صفوف بالای رژیم را به هم ریخت و شکاف عمیقی را بر سر چگونگی اداره و ادامه جمهوری اسلامی ایجاد کرد و در انتخابات ۲۲ خرداد این شکاف به یک دره عمیق در میان آنها تبدیل گردید و مردم هم از آن استفاده کردند بر سرشان ریختند و توجه تمام جهان را به آنچه که در ۳۰ سال اخیر بر مردم ایران گذشته است معطوف کردند.

ابعاد اعتراض و خشم مردم از حکومت چنان گسترده بود که کل جهان را تکان داد. در بطن این رویداد به گلوله بستن ندا آقا سلطان زن جوان ۲۷ ساله و لحظات غم انگیز جان باختن وی در مقابل چشم جهانیان، دل میلیونها نفر از مردم سراسر جهان را به درد آورد و نفسها را در سینه حبس کرد. مرگ جانگداز ندا یک نمونه از هزاران مورد به گلوله بستن جوانان آن مملکت بود که دخالت مذهب در زندگی خود را قبول نداشتند. مرگ ندا نمونه ای از هزاران هزار جانباخته ای است که گناهاش فقط این بود که آزادی میخواستند و میخواستند مانند بشر قرن بیست و یکمی زندگی کنند.

دوستان ناکمیتست گفتند که این جنبش، جنبشی برای سرنگونی نیست؛ جنبش ضد تقلب در مورد انتخابات است و ربطی به انقلاب مردم ندارد. این سخنان مشعشع، حرف امروز آنها نیست مدت‌هاست دارند همین حرفها را می زنند و از

مردم را به گلوله بستند و دستگیر و یا زخمی کردند و با ضرب گلوله مردم را از خیابانها متفرق نمودند، اظهار خوشحالی کرده و یکی پس از دیگری نوشتند که انقلابتان شکست خورد.

برخورد حزب حکمتیست به رویدادهای اخیر در ایران از سر تفهیمین و عدم درک این شرایط نبوده است؛ روند تحلیلهای کوروش مدرسی اساسا بعد از مرگ منصور حکمت از ریل کمونیسم کارگری خارج گردید. معلوم بود وقتی روند تحلیلهای در مورد سیر تحولات ایران عوض میشود و هر نوع حرکت مردم علیه جمهوری اسلامی، ناسیونالیستی و ارتجاعی و بی ربط به به حزبشان جلوه داده می شود بسیار طبیعی بود که حرکت اخیر مردم را نیز به کیسه جنگ جناح ها بریزند و دست خود را از هر نوع انقلاب و انقلابی گری بشویند. بدبختی آنها از آنجا شروع شد که تصمیم گرفتند حزب کمونیست کارگری هر موضعی بگیرد در مقابل آن موضع دیگری بگیرند تا در دنیای خیالاتی و کور و بی افق خود به انقلاب مورد نظر خود بیایند.

می گویند این حرکت هیچ ربطی به انقلاب مردم ندارد چون قبلا گفته بودند جمهوری اسلامی متعارف شده است و گفته بودند جنبش سرنگونی تمام شده است؛ چون گفته بودند انقلابی در کار نیست؛ چون یک دوره نیز به بحران سازی سرمرزها اعتقاد پیدا کرده بودند و میخواستند از طریق گارد آزادی و از درچه کردستان، آغاز انقلاب در ایران را استارت بزنند. در واقع تمام افق آنها به سرنگونی و انقلاب در ایران کور شده است. آقای رحمان حسین زاده در تداوم و ادامه چنین تحلیلهایی می نویسد: "اگر کسی خیزشهای اخیر مردم در ایران را آغاز حرکتی برای انقلاب بنامد ما بر ضد آن هستیم." و اطلاعاتیه پشت اطلاعاتیه از مردم خواستند آرامش خود را حفظ نمایند. این حرفها را زدند تا مبادا تحلیلهایشان مبنی بر اینکه جنبش سرنگونی شکست خورده است و نظام اسلامی به نظامی متعارف تبدیل شده است پوچ و بی معنی شود.

همانطور که اشاره کردم بحث اینها از سر تفهیمین و عدم تشخیص

روندهای سیاسی و اجتماعی در ایران نیست. اینها ماهیتا فرق کرده اند و از ریل خارج شده اند و غیر اجتماعی شده اند و همه چیز را سیاه می بینند، به جامعه نیز بی ربط شده اند، افق روشنی بر استراتژی حزبشان ندارند و همه درها را بر روی خود بسته اند. از همه چیز سرخورده گردیده و از خود پسنندی شبیه به سازمان مجاهدین شده اند. معمولاً جریاناتی که از همه چیز سرخورده میشوند و از انقلاب و انقلابی گری دور میشوند، از قدرت تحلیل و بیان واقعیات عینی در جامعه و سوخت و سازها و فعل و انفعالات و تلاشها و تاکتیکهای مبارزه مردم نیز دور می گردند و چه بسا به نیرویی خطرناک در راه انقلاب مردم نیز تبدیل شوند.

این دوستان ظاهرا چشمانشان را بر همه چیز بسته اند و در دنیای تاریک خود شروع به شمشیر چرخانی کرده اند. مستقل از دوری و نزدیکی پایه های نظری و افقهای اجتماعی نیروهای سیاسی، هرکدام به نحوی از مبارزات اخیر مردم ایران حمایت کردند و در دفاع و پشتیبانی از آن مردم را به تظاهرات و میتینگ و هر شکل دیگر از اعتراض فراخوان دادند و به تقویت آن پرداختند. دوستان حزب حکمتیست هم اینها را می فهمند ولی از آنجایی که مدت‌هاست تحلیلهایشان از اوضاع ایران عوض شده است و انقلاب و سرنگونی را از پیش بینیا و مسیر مبارزاتشان حذف کرده اند و کج فهمی هایشان برای همه روشن شده است نمی خواهند واقعیات موجود را بپذیرد.

ما همیشه گفته ایم انتخابات در جمهوری اسلامی پوچ و بی معنی است. در دوره انتخاب خاتمی نیز همین را گفتیم و برای احمدی نژاد نیز بر این مسئله تأکید داشتیم ولی با این وجود بخش قابل توجهی از واجدین شرایط انتخابات در آن شرکت کردند و با شرکتشان، اتحاد صفوف سران جمهوری اسلامی را در هم شکستند. آقای کوروش مدرسی هم خوب میداند که مبارزه مردم در ایران در جهت دفاع از جناحی علیه جناح دیگری نیست. بسیار طبیعی است که مردم در ایران تحت حاکمیت نظام اسلامی زندگی میکنند و میدانند این رژیم رحم سرش نمیشود و برای سرکوب مردم

نیروی ناجا درست کرده است، سازمان بسیج بر پا کرده است، سپاه پاسداران ایجاد کرده، وزارت اطلاعات دارد، لباس شخصی دارد و صدها هزار موتور سوار و چاقوکش سازمان داده است به همین دلیل تاکتیک مبارزه مردم الزاما همانطور که دوستان حزب حکمتیست میخواهند پیش نمی رود و مردم سعی میکنند در پوشش دفاع از موسوی، قدرت اجتماعی خود را برای نابودی کل نظام به آزمایش بگذارند. معلوم است مردم همیشه دنبال بهانه اند تا ترس خود را بشکنند و نیروی عظیم خود را به میدان بیاورند.

این آقایان میدانند که مردم ایران دنبال ارتجاع دیگری نیستند. دنبال تغییر اساسی و بنیادی هستند؛ دنبال رفاهند، در پی کوتاه کردن دست مذهب از زندگی خود هستند؛ دنبال امنیت و آسایش هستند. مردم ایران به دنبال رهایی از تمام قوانین دست و پا گیر مذهبی هستند که ۳۰ سال است جمهوری اسلامی آن را به جامعه ایران تحمیل کرده است.

مبارزه مردم برای این است که از زندانهای مخوف و شکنجه و اعدام نجات پیدا کنند. مردم ایران جمهوری اسلامی را با گوشت و پوست خود تجربه کرده اند و نمی خواهند سر به تنش بماند و حداقل جز حزب کوروش مدرسی همه این را گفته اند. حرکت و تاکتیک مبارزه مردم بسیار عمیقتر و روشنتر از تحلیلهای مشعشع و پا در هوای حزب ناکمیتست است. می گویم ناکمیتست بدلیل اینکه اینها مطلقاً هیچ تشابه نظری سیاسی و تاکتیکی با روش و روند تحلیلهای منصور حکمت ندارند. یک لحظه تصور کنید در شرایط کنونی، منصور حکمت زنده بود و با چشم خود می دید که توجه جهان به اوضاع ایران جلب شده است و میلیونها نفر از مردم در داخل و خارج به خیابان آمده اند، صفحات اول روزنامه های مهم جهان پر از تحلیل و تصاویر از صحنه های عظیم مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی است. میدید که چسب درونی ۳۰ سال اتحاد آخوندها برای سلاخی مردم کنده شده است و دارند همدیگر را به محاکمه میکشند.

اطلاعیه شماره ۱

تظاهرات میلیونی مردم در تهران علیه حکومت



شاهد تظاهرات با شکوه مردم علیه جمهوری اسلامی است. جمعیت بسیار زیادی که تعداد آنها به بیش از دو میلیون گزارش شده در حال شعار دادن در خیابانها و میادین اصلی تهران هستند. اینبار مردم نماز جمعه را بهانه کردند و بطور میلیونی در خیابانهای تهران حاضر

"مرگ بر دیکتاتور"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد"، کشته ندادیم که سازش کنیم" شعارهای اصلی مردم است!

امروز جمعه ۲۶ تیر نقاط مختلف تهران یکبار دیگر

شدند. برخی از شعارهای مردم بدین قرار بود:

مرگ بر دیکتاتور!
زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کشته ندادیم که سازش کنیم!
مجنبی بمبری، رهبری را نبینی
مرگ بر این دولت مردم فریب!
شوم ما تنگ ما/ صدا و سیما ما
ما اهل کوفه نیستیم، پول بگیریم
بایستیم
دولت کودتا استعفا استعفا
مرگ بر احمد نژاد

محورهای تظاهراتهای امروز تهران که تا لحظه تنظیم این خبر همچنان ادامه داشته است، خیابان آذر بایجان، میدان ولی عصر، بلوار کشاورز، خیابان حافظ، پارک دانشجو، امیر آباد شمالی، میدان فردوسی به طرف ایران شهر و میدان هفت تیر و تقاطع کارون و هاشمی.

علیرغم گرمای شدید و حضور گسترده نیروهای سروکبر رژیم در خیابانها، مردم تهران کوچکها،

میدان و خیابانها را آزاد کردند و صدای آزادیخواهی خود را طنین انداز کردند. گزارشات مستقیم به تلویزیون کانال جدید و حزب کمونیست کارگری ایران حاکی از شور و هیجان مردم بپا خاسته بود.

در بلوار کشاورز و امیر آباد شمالی جمعیتی بالغ بر ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر در حالیکه شعار مرگ بر دیکتاتور می دادند با نیروهای رژیم و یگان ویژه به زد و خورد پرداختند که این درگیریها ادامه دارد. این گزارش می افزاید که مردم به طرف میدان فاطمی و صدا و سیما جمهوری اسلامی در حرکت بوده اند.

بنا به گزارشات دریافتی نیروهای رژیم در حالیکه که بخشا ماسکهای مشکی به صورت داشتند با استفاده از گاز اشک آور و

باتوم و شلیک گلوله | لاستیکی با مردم زدو خورد پرداختند. آخرین گزارشها حاکی است که جمعیت زیادی از میدان فاطمی به طرف صدا و سیما در حرکتند و شعار مرگ بر دیکتاتور و مجتبی بمبری رهبری رو نبینی و دولت کودتا استعفا استعفا سر میدهند. از میدان ونک به بالا تظاهر کنندگان در حالیکه شعار مرگ بر دیکتاتور سر میدادند عکسهای موسوی و رفسنجانی را آتش میزدند. نیروهای جمهوری اسلامی به طرف جمعیت گاز اشک آور شلیک میکنند. از شیراز و اصفهان یزد نیز به کانال جدید گزارش شده است که تظاهرات جریان داشته است. از تعداد دستگیر شدگان خبر دقیقی در دست نیست. تظاهرات و درگیریها تا لحظه انتشار این گزارش ادامه دارد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ تیر ۱۳۸۸ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹

اطلاعیه شماره ۲

تظاهرات عظیم مردم تهران همچنان ادامه دارد!



همراه با تظاهرات میلیونی مردم در خیابانهای تهران، خانواده

شدند که از سوی خود مردم مورد مداوا قرار می گیرند.

مردم زخمی ها را به آمبولانس ها تحویل نمی دهند چرا که می گویند که آمبولانس ها در اختیار بسیجی ها هستند و از همین رو از همه پزشکان و پرستاران شریف و آزادیخواه خواسته شده است که به کمک به زخمی شدگان بشتابند. از مردم نیز خواسته شده است که درهای خانه های خود را باز بگذارند تا مردم بتوانند در صورت لزوم به آنها پناه ببرند.

یکی دیگر از شعارهای مردم این بوده است که "تا احمدی نژاد،

اوین تجمع کرده اند. گروههایی از مردم در مقابل سفارت روسیه در تهران اجتماعی برپا داشته اند و با شعار دادن حمایت دولت روسیه از جمهوری اسلامی را مورد اعتراض قرار داده اند. در مقابل وزارت کشور نیز اجتماع بزرگی از مردم شکل گرفته است. در این محل نیروهای رژیم به مردم حمله ور شدند و مردم با آنها به مقابله برخاستند.

طبق گزارشی که در ساعت پنج عصر به وقت تهران به ما رسید در میدان را آهن، جمعیت زیادی در حرکت و اعتراض بوده اند. گزارش می شود که در اعتراضات امروز شماری از تظاهرات کنندگان زخمی

هر روز همین بساطه! مردم با در دست داشتن عکس های سهراب اعرابی جوان ۱۹ ساله ای که بدست دژخیمان جمهوری اسلامی کشته شد، شعار می دادند "سهراب ما نمرده، ولایتی که مرده" و "ندای ما نمرده، ولایتی که مرده"

بنا به اخبار دریافتی، تظاهرات خیابانی در تهران همچنان ادامه داشته است و انتظار می رود که اعتراضات مردم بطور شبانه نیز ادامه یابد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ تیر ۱۳۸۸ - ۱۷ ژوئیه ۲۰۰۹

اوضاع کنونی ایران و ...

از صفحه ۴

میدید که چگونه مبارزه مردم ایران به طور بی سابقه ای مورد حمایت جامعه جهانی قرار گرفته است. میدید که این همه خواننده، نویسنده، فیلم ساز و ترانه سرا و شخصیتهای مشهور دنیا در حمایت از مبارزه مردم ایران به میدان آمده اند. میدید که دولتهای اروپایی که هیچ گاه حاضر نبودند علیه جمهوری اسلامی حرفی بزنند و یا اگر می

ناحکمیستی آنها در اینجاست. البته این جنگ جنگ مردم با رژیم است ربطی به حزب آنها ندارد برای اینکه حزب آنها ربطی به مردم ندارد.

جامعه چنان در حال انفجار است که خامنه ای را در نماز جمعه به گریه انداخت و اشک تماشای ریخت. با این وجود هیچگاه مبارزه مردم در ایران به این اندازه مورد خشم و بیزاری حزب حکمیست قرار نگرفته بود. خوشبختانه حزب

الزاما آنهايي که هرکدام به نحوی خود را با روش مبارزه و متدولوژی منصور حکمت تداومی می کنند، حتی هیچ کدام از مخالفین منصور حکمت، برداشت حزب حکمیست از منصور حکمت در شرایط کنونی و آن طور که حزب حکمیست فکر می کند را ندارند. به همین دلیل بهتر است به آنها گفته شود ناحکمیست.

۱۵ ژوئیه ۲۰۰۹

هیچ منصور حکمت شناسی نه

تجمع اعتراضی کارگران شرکت ریسندگی در مقابل اداره کار سنندج پرسی برای دومین بار

دهند. کارگران نیز برای اجرای خواسته خود، تا روز يكشنبه مهلت تعیین نمودند که در صورت برآورده نشدن خواستشان همراه با خانواده هایشان در مقابل ادارات دولتی تجمعات اعتراضی خود را ادامه خواهند داد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۶ تیر ۸۸

مسلم ما کارگران است" و "ما خواستار اجرای رای دیوان عدالت اداری هستیم"، در دست داشتند. ماموران نیروی انتظامی و نیز لباس شخصی کارگران را محاصره کرده و از ورود مردم و عابران به داخل جمع آنان جلوگیری می کردند. ماموران حراست اداره کار به نزد کارگران آمده و از آنان خواستند که به تجمع خود پایان

کارگران کارخانه ریسندگی پرسی برای دومین بار، روز ۵ شنبه ۲۵ تیر ماه از ساعت ۹ صبح تا ۱۱ و نیم، مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع اعتراضی زده و خواستار اجرای حکم دیوان عدالت اداری - مبنی بر بازگشت به کار بعنوان کارگران استخدام دائم - شدند. کارگران پلاکاردهایی با مضمون "زندگی انسانی حق

سوم مرداد روز اعتراض جهانی علیه جمهوری اسلامی

روز شنبه سوم مرداد، ۲۵ ژوئیه، از جانب شماری از سازمانهای مدافع حقوق بشر از جمله سازمان عفو بین المللی، گزارشگران بدون مرز و انجمن بین المللی قلم روز "اقدام جهانی برای دفاع از حقوق بشر در ایران" اعلام شده است. برای مردمی که میلیونی به میدان آمده اند و با تظاهرات و شعار دادن و مقابله با جنایتکاران جمهوری اسلامی عزم خود برای خلاص شدن از حکومت توحش اسلامی در ایران را به نمایش گذاشته اند، این حرکت فرصت مناسبی است تا یک بار دیگر صدای خود را به گوش جهانیان برسانند و تلاش کنند جنبشی جهانی برای محاکمه سران حکومت به جریان اندازند. جمهوری اسلامی حکومتی است که در تمام طول حیات ننگینش نه تنها حقوق بشر بلکه جان و زندگی انسانها را زیر پا له کرده است. این حکومت باید سرنگون شود و سران جنایتکار آن بجرم جنایت علیه بشریت محاکمه شوند. روز شنبه ۳ مرداد، ۲۵ ژوئیه، باید یک پیشروی دیگر را برای جنبش انقلابی و سرنگونی طلی در ایران ثبت کرد.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری از همه ایرانیان شریف و آزادیخواه میخواهد که فعالانه در سوم مرداد در تمام کشورها دست به تجمع و تظاهرات بزنند و بر خواستههای اساسی مردم تاکید بگذارند. به میدان بیایید و با فریادهای سرنگونی جمهوری اسلامی این خواستها را مطرح کنید:

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد آزادی و برابری!

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ ژوئیه ۲۰۰۹ - ۲۸ تیر ۱۳۸۸

۱- بازداشت و محاکمه آمرین و

تجمع کارگران کارخانه ریسندگی پرسی در مقابل اداره کار سنندج

قانون و عدم اجرای حکم مذکور را کرده و در آخرین اقدام مسئله را به هیئت تشخیص ارجاع داده و این هیئت نیز در اقدامی تعجب برانگیز به صدور رای خلاف رای دیوان عدالت اداری اقدام نموده و پس از آن کارگران خواهان لغو این رای غیر قانونی و بازگشت به کار خود با شرایط استخدام دائم شدند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۶ تیر ۸۸

کارگران کارخانه ریسندگی پرسی در اعتراض به رای هیئت تشخیص در مقابل اداره کار سنندج دست به تجمع اعتراضی زدند. سال گذشته بر اساس رای دیوان عدالت اداری کارفرما موظف شد تا کارگران این کارخانه را بصورت استخدام دائم بر سر کار بازگرداند. اما پس از ماهها مقاومت و عدم اجرای حکم صادره از دیوان عدالت اداری از سوی کارفرما، ایشان به شیوه های مختلف قصد دور زدن

اعتراضات گسترده آموزشگران حق التدریسی نهضت سواد آموزی نسبت به عدم استخدام رسمی و جذب در آموزش و پرورش

ماده و بخشنامه داخلی سازمان انجام خواهد شد. آیا این کار امکان پذیر خواهد بود یا نه جوابی به آموزشگران نداده اند.

دسته بندی کردن معلمان طرح بهانه هایی هم چون قطع رابطه موقت کاری معلمان با سازمان و سابقه ۶۰ ماه تدریس، به عنوان حربه هایی برای اخراج و چند پاره کردن حرکت حق به جانب معلمان بکار می رود و آموزشگران نسبت به این مسئله شدیداً معترض هستند.

گفتنی است حقوق معلمان حق التدریسی بسیار پایین بوده و اغلب در ماه به پنجاه هزار تومان می رسد. در حالی که اکثریت آنان دارای تحصیلات عالی می باشند. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن پشتیبانی از خواست معلمان برای بستن قرارداد جمعی و استخدام دائم و رسمی، از معلمان می خواهد با غلبه بر چند دستگی های ساختگی و با تکیه بر امر مشترک خود، با ایجاد ارتباطات تنگاتنگ و با هماهنگ نمودن اعتراضات شان، نیروی خود را برای به کرسی نشاندن خواست مشروع و انسانی خود صد چندان نمایند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۵ تیر ۸۸

بازگشت به کار آنان منوط به ارجاع و تصمیم گیری سازمان آموزش و پرورش کشور شده است. هم چنین تاریخ استخدام و چگونگی استخدام آنان - به صورت قراردادی یا رسمی - مشخص نشده است.

گروهی دیگر آموزشگرانانی هستند که تعدادی از آنان دارای مدرک فوق دیپلم و لیسانس می باشند که رابطه کاری آنان با سازمان قطع شده است و بنا به اظهارات رئیس سازمان نهضت سواد آموزی، اینان نمی توانند بر سر کار خود باز گردند. تنها شانس این دسته از معلمان برای بازگشت به کار، با شرط دارا بودن مدرک فوق دیپلم و یا لیسانس، تصویب مجلس و بعداً تأیید آموزش و پرورش می باشد! معلمین حق التدریسی اوایل هفته آینده به دفتر نمایندگان مجلس مراجعه کرده و به طرح خواست خود می پردازند و در صورت عدم نتیجه گیری، به راه های دیگر متوسل خواهند شد.

گروه دیگر کسانی هستند که سابقه سنوات خدمتی آنها در نهضت سواد آموزی به ۶۰ ماه نرسیده و به همین دلیل بازگشت به کار نخواهند شد و سازمان نهضت سواد آموزی کشور به آموزشگران اعلام کرده که بازگشت به کار آنها با موافقت آموزش و پرورش و طبق

طی هفته پایانی تیر ماه گروه هایی از معلمان حق التدریسی از شهرستانهای مختلف از جمله ارومیه، بوشهر، اصفهان همدان، کرمانشاه و سنندج به نمایندگی از طرف دیگر همکاران آموزشیار خود به دفتر سازمان نهضت سواد آموزی تهران مراجعه نموده و به اخراج خود از این سازمان اعتراض کردند. از جمله این معترضان معلمان سنندجی و اصفهانی بودند

که روز سه شنبه ۲۳ تیر ماه جهت اعتراض به اخراج خود به سازمان نهضت سواد آموزی تهران واقع در خیابان فاطمی مراجعه کردند و خواهان بازگشت به کار و استخدام رسمی خود شدند. روسا و کارمندان سازمان نهضت سواد آموزی تهران نگران از تجمع معلمان معترض آنان را به صرف صبحانه دعوت کردند. اما رئیس سازمان در جمع معترضین حاضر شد و اعلام کرد که مشکلات آموزشیاران مشکلات کاملاً شخصی بوده و ربطی به سازمان ندارد! وی حاضر نشد به صحبت معلمان گوش داده و به مطالبه آنان مبنی بر بازگشت به کار و استخدام رسمی پاسخ مناسبی بدهد.

آموزشیاران معترض شامل سه گروه بودند. تعدادی از آنها که در سال ۷۷ استخدام شده بودند و از طرف سازمان اخراج شده اند و

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!